

# آیین جوانمردان و صفت های نیک آنان

این آیین در گذر زمان پیردازد، بلکه در تفکر خویش باور دارد که زنده نگه داشتن یاد و مرام فتیان، عیاران و جوانمردان، می تواند مانع از رخ دادن بسیاری از آسیب های اجتماعی شود که گریبان گیر نه تنها نسل جوان، بلکه جامعه در حد فراگیر شده است. بنابراین، به فراخور فهم خود از مسائل اجتماعی، هر از چندی نگاهی به این مقوله ها می کند و شمه های از سیر و سلوک این آیین جوانمردی را در نوشته های سردبیری به قلم درمی آورد تا هشداری باشد برای همه کسانی که در چارچوب های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی می کوشند نمونه های انسان بافضیلت را به جامعه کنونی معرفی کنند. به اعتقاد نویسنده، همان آیین های پاک انسانی در سده های گذشته باعث شده است تا هزاران نظم و نثر زیبا در تاریخ به یادگار بماند تا نسل امروز با دست انداختن بدان ها در تقابل امواج سهمگین و نابودکننده مرزهای اخلاقی و انسانی بی بار و راهنما نباشد. موضوعی که جامعه امروز تشنه آن است، کرم و عفو و گذشت است. این صفت در آیین جوانمردان دیروز، جزء رکن های بیرونی برشمرده شده است. آن ها معتقد بودند جوانمردی دوازده رکن دارد که شش رکن آن درونی و شش رکن آن بیرونی است (با به عبارتی ارکان باطنی و ظاهری). در آیین جوانمردی کریم (دارای صفت کرم) یعنی کسی که عطا کند و منت ننهد. به همین دلیل، خداوند را کریم می خواندند. در مرام کریم (جوانمرد) عفو و گذشت به این معنا بود اگر همه عالم او را برنجانند او نرنجد. این فضیلت زیبایی وجود آدمی را حافظ در بیتی به نیکویی نشان می دهد:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کفری است رنجیدن

اصول اخلاقی عیاران، خود، حکایتی است دیگر که در آن همه معارف انسان پاک، جلوهای عیان دارد. جوانمردان و عیاران از دروغ و دروغ گویی بیزار بودند و دروغ گوارا به مجازات های سخت محکوم می کردند. در موارد اصلی مرامنامه آن ها، اصل جوانمردی سه چیز است:

چو در تاریخ نیک بنگریم مفاهیم اخلاقی برگرفته از ریشه های اصیل دلاورانی بوده است که به صفت های گوناگون شناخته شده اند. سه واژه فتیان، عیاران و جوانمردان در گذشته این دیار بیانگر دلاوری و شجاع مردان و زورمندانی بوده اند که از زور بازوی خود در کمک به دیگران فراوان بهره گرفته اند. اهل فتوت به عنوان یک مفهوم اخلاقی به کسانی گفته می شد که «سخاوت و مهمان نوازی» و «شجاعت و دلاوری» را در حد اعلا داشتند تا جایی که سخاوت گاه به تنگدستی و دلاوری گاه به از جان گذشتن می انجامید.

اهل فتوت را نمی توان به سرزمینی خاص محدود کرد و در لغت نیز نمی توان فتیان (یعنی اهل فتوت) را فقط معادل صفات سخاوت و شجاعت دانست. در جایی، لغت فتوت به معنای حسن خلق آمده و شامل فضائلی مانند بزرگواری، علو طبع، سخاوت، رشادت بوده که از یک فتای حقیقی (جوانمرد واقعی) انتظار می رفته است. در نقلی دیگر در قرآن کریم، فتیان به معنای اجتماعی از جوانانی مؤمن ذکر شده است که در گذر زمان هم عقیده شده اند و فضائل و خصائل مذکور را وظیفه خود دانسته اند و موحدانی بوده اند که خداوند بر ایمان آنان افزوده است. اعراب قدیم نیز صفت «فتی» را به شخصی می داده اند که به منتهای انسانیت و حد کمال رسیده است. بهترین مثال در تاریخ اعراب در جنگ جویی یک فتای حقیقی، علی بن ابی طالب (ع) پسر عم و داماد پیامبر اسلام محمد (ص) است که مشوق و الگوی واقعی تمام جوانمردان تاریخ بوده و هست. شجاعت او مشهور بود، چنان که چند مرتبه جان خود را در راه پیامبر اسلام به خطر انداخت و داستان معروف او در جنگاوری با «عمر بن عبدود» خود، اخلاقی ترین کاری است که در تاریخ جنگاوری برای رضایت خدا، نام او را از زمان خود فراتر برد و آیین تمام نمای پهلوانی در تاریخ شد؛ و از این روست که شعار «لا فتی الا علی لا سیف الا ذو الفقار» شعار همه جوانمردان شد.

نگارنده این سطور نه داعیه تاریخ دانی و پیگیری سیر تکامل و حکایت این گروه از جنگاوران بامروت را در سر دارد و نه می خواهد به تاریخ نگاری در

یکی آنکه آنچه بگویی بکنی؛ دوم آنکه راستی در قول و فعل نگاه داری؛ سیم آنکه شکیب را کاربردی. در سیر و سلوک جوانمردان، جوانمردترین از همه مردمان آن بود که «دلیر و مردانه بود و شکیبا به هر کاری».

از زیباترین فرازهای آیین عیاران و جوانمردان، «عیب دیگران را پنهان کردن» بود. آن‌ها بر این باور بودند که ستار العیوب صفت بزرگ خداوند است و عیب‌ها و گناهان بندگان خود را نادیده می‌گیرد و جوانمردان می‌کوشیدند این صفت را در خود زنده نگه دارند. به همین دلیل عطار در قالب یک شعر زیبا، صفت جوانمردی را به زیباترین وجه می‌گشاید. داستان شکل‌گیری این شعر را که به اواخر قرن هشتم برمی‌گردد، محمدبن منور، صاحب کتاب اسرارالتوحید در قرن ششم نیز در شرح احوال شیخ ابوسعید ابوالخیر آورده است:

«شیخ ما قدس الله روحه العزیز روزی در حمام بود. درویشی شیخ را خدمت می‌کرد و دست بر پشت شیخ می‌نهاد و شوخ (چرک) بر بازوی شیخ جمع می‌کرد، چنان‌که رسم قائمان گرمابه باشد تا آن کس ببیند که او کاری کرده است. در میان این خدمت از شیخ سؤال کرد که: ای شیخ! جوانمردی چیست؟ شیخ ما حالی گفت: آن که شوخ مرد پیش روی او نیاری. همه مشایخ و ائمه نیشابور این سخن بشنودند اتفاق کردند که کس در این معنا بهتر از این نگفته است».

عطار به زیبایی این اصول اخلاقی عیاران را (که منبعث از روایت یادشده است) در قالب شعری آهنگین می‌سراید که اکنون دل و جان را با خود همراه می‌کند. هنوز که هنوز است شمیم عطر آن گفته بوسعید و حلاوت سخن عطار، آن را در جامعه جویای خلق خوش می‌پراکند و اخلاق پسندیده را در آن می‌داند که چشم‌پوشی از خطای دیگران، سیره جوانمردان و مقتدایشان علی (ع) است.

بوسعید مهنه در حمام بود

قایمش افتاد و مردی خام بود

شوخ شیخ آورد تا بازوی او

جمع کرد آن جمله پیش روی او

شیخ را گفتا «بگوای پاک جان

تا جوانمردی چه باشد در جهان؟»

شیخ گفتا «شوخ پنهان کردن است

پیش چشم خلق ناآوردن است»

این جویی بود بر بالای او

قایم افتاد آن زمان بر پای او

چون به نادانی خویش اقرار کرد

شیخ خوش شد، قایم استغفار کرد

بعدها که ورزش‌خانه‌ها با داشتن گود زورخانه

شکل گرفت، میانداری در میانه می‌ایستاد و اعمال ورزش را به جای می‌آوردند. نقل کرده‌اند که میاندار باید پهلوان اول محل و دارای اخلاقی جوانمردی بوده باشد و به کسوت جوانمردی لکه‌ای وارد نیآورده باشد. در مرام ورزش‌خانه‌ها نیز نقل شده است که «در گود حرف رکیک نباید زده شود. دعوا و قیل و قال نباید راه بیفتد. همه باید با هم برادر باشند. اول کوچک‌ها و تازه‌چرخنده‌ها باید بچرخند و بازی‌های ورزشی را شروع کنند تا نوبت به بزرگ‌ترها برسد و آخر همه میاندار می‌چرخد و بازی می‌کند».

شاید در میان شعرا و بزرگان ادب پارسی، عطار و سعدی بیش از همه آیین جوانمردان و صفتهای نیک آنان را به نظم درآورده‌اند. به همین دلیل در جامعه امروز ما نیز هنوز عواطفی زیبا و تحسین‌برانگیزند، ولی جامعه بدان‌ها نیاز دارد تا آن‌ها را الگوی خود قرار دهد و در اصلاح رفتارهای آدمیان بیش از پیش بر آن پای بفشرد. به دلیل آنکه این سرمقاله را اجازت نیست تا بیش از این گسترده شود، به یکی دیگر از شعرهای عطار در «حق نان و نمک و سفره» جوانمردان می‌پردازیم و از آنجا که حضور معنوی و باصلابت این آموزه‌های اخلاقی در کل جامعه و به‌ویژه در جامعه ورزشی حال حاضر ما نیازی است اجتناب‌ناپذیر، حقیر می‌کوشم به فراخور و در نوشته‌های سردبیری دیگر این موضوع را بازسازی و ارائه دهم.

عطار پیرامون نان و نمک و شگردهای عاطفی عیاران و ویژگی‌های اخلاقی آن‌ها بارها در منطق‌الطیر اشاره می‌کند. با ذکر یکی از این اشارات، این نگارش را به سرانجام می‌برم تا نوبتی دیگر:

خورد عیاری بدان دل‌خسته باز

با و ناقش بُرد دستش بسته باز

شد که تیغ آرک زند در گردنش

پارهای نان داد آن ساعت زنش

چون بیامد مرد با تیغ آن زمان

دید آن دل‌خسته را در دست، نان

گفت: این نانت که داد! ای هیچ‌کس؟

گفت: این نان را عیالت داد و بس

مرد چون بشنید آن پاسخ تمام

گفت: بر ما شد تو را کشتن حرام

زان که هر مردی که نان ما شکست

سوی او با تیغ نتوان بُرد دست

نیست از نان خواره ما جان دریغ

من چگونه خون او ریزم به تیغ؟

خدایا، کریم! مپسند که اخلاق جوانمردی و فضائل

پاک و رونق‌صوری و از خودگذشتگی و چشم‌بر

نهادن از خطای دیگری در جامعه ما زائل شود. آمین.

سردبیر

از زیباترین  
فرازهای آیین  
عیاران و  
جوانمردان، «عیب  
دیگران را پنهان  
کردن» بود. آن‌ها  
بر این باور بودند  
که ستار العیوب  
صفت بزرگ  
خداوند است و  
عیب‌ها و گناهان  
بندگان خود را  
نادیده می‌گیرد  
و جوانمردان  
می‌کوشیدند این  
صفت را در خود  
زنده نگه دارند